

هایدگر در ایران



■ بیژن عبدالکریمی
۱۳۹۰

این کتاب با زیرعنوان «نگاهی به زندگی، آثار و اندیشه‌های سیداحمد فردید» که به قلم بیژن عبدالکریمی نگاشته شده، پژوهشی است درباره هایدگر که به دنبال خود زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا نسبت به سنت نظری خود در مقایسه با سنت متافیزیک غربی تأمل کند. با عنایت به نقش غیرقابل انکار سیداحمد فردید در معرفی و شناسایی هایدگر، پرداختن به زندگی، آثار و اندیشه‌های وی قسمت عمده‌ای را در این کتاب به خود اختصاص داده است.

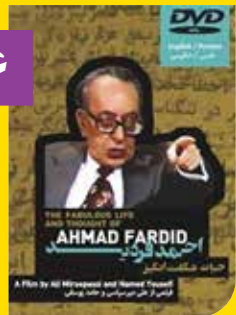
هویت‌اندیشان



■ منصور هاشمی
۱۳۸۳

در این کتاب برای نخستین بار گزارشی تفصیلی از آثار و افکار سیداحمد فردید با دقت و وسواس خاصی عرضه شده و پس از آن ضمن گزارش‌هایی مشروح از اندیشه‌های روشنفکران و اندیشمندان دیگری مانند جلال آل احمد، احسان نراقی، رضا داوری، داریوش آشوری، داریوش شایگان و سیدجواد طباطبایی، نسبت اندیشه‌های این متفکران هویت‌اندیش با آرا و اندیشه‌های سیداحمد فردید سنجیده شده است.

حیات شگفت‌انگیز



■ علی میرسپاسی
۱۳۹۶

این کتاب که پایه و مایه تولید یک مستند تلویزیونی درباره سیداحمد فردید بوده است، در اصل زندگی او را به چهار دوره ابتدایی، روشنفکری (همراهی با صادق هدایت و دیگران)، غرب‌زدگی (بعد از بازگشت از اروپا در دهه سی) و انقلاب (تا مرگ در سال ۷۳) تقسیم می‌کند و درباره هر دوره اطلاعات خوبی به دست می‌دهد که خواندن آن خالی از لطف نیست.

اگرچه پرمناقشه، اما کم‌نظیر بود. یکی دیگر از شاگردان احمد فردید اذعان دارد که «او مردی استثنایی بود که می‌توان تفکر آماده‌گر او را آغاز یک دوران، پس از پایان دورانی که منورالفکری ایرانی تعلق داشت، دانست و از این قرارگاه به عالم از افق دیگر نگریست. این عالم در نهایت از عالم هایدگر نیز می‌گسست و گذر می‌کرد و به عالم نورمحمدی می‌پیوست، هر چند به نحوی تام و تمام نیز از ظلمت آخرالزمان تاریخ غرب رهایی نیافته بود؛ بنابراین فردید انسانی دو عالمی بود.» در میان همه منابع فکری که فردید را تبدیل به فیلسوفی کم‌نظیر یا به قول دوستدارانش انسانی دو عالمی کرده بود، مارتین هایدگر جایگاهی استثنایی داشت. در واقع بارزترین وجه احمد فردید، هم‌سخنی‌اش با مارتین هایدگر و نقد و طرد تاریخ متافیزیک غربی است. او غرب را طاغوت‌زده، نفس‌آماره، مظهر اسم شیطان و مظهر امامت کفر می‌دانست. فردید تاریخ تمدن غرب را تاریخ دوزخ و اژدر ارزیابی می‌کرد و می‌پنداشت که همه‌ی فلاسفه غرب در اناالحق طاغوتی مشترک هستند و اختلاف آنها در عرض است. او ابایی نداشت که به صراحت عقل غربی را پتیاره بداند و این جرات در نقد غرب را از هایدگر فراگرفته بود.

احمد فردید با همه نقص‌هایی که داشت، بن‌مایه‌های اولیه توجه به دوره‌ی جدید تاریخ و حتی طرح پرسش از این تاریخ را مورد اهتمام فلسفی قرار داد. امری که نشان می‌دهد او به سطوحی از خودآگاهی تاریخی رسیده بود. خودآگاهی تاریخی که در جمله مشهورش که صدر تاریخ جدید ما را ذیل تاریخ جدید غرب می‌دانست، نهفته بود. طبق این خودآگاهی تاریخی، «در نظر فردید راه بازگشت به گذشته مسدود است، آنچه هست آینده است، آینده‌ای که بر مبنای نگرش فردید خواهد آمد، اما مسلماً هنوز نیامده است. آنچه در این جمله فردید اصیل و قابل توجه می‌نماید، سخن گفتن از پایان غرب نیست، بلکه این بصیرت است که تاریخ ما و همه ملل دیگر غیرمتجدد، در جهت تجدد است. چرا که دیگر تاریخ‌ها در قبال تجدد رنگ باخته‌اند، از تولید بازمانده‌اند و به اصول و مبنای مدرنیته دل سپرده‌اند.» بر برخی‌ها سهم هایدگر در تمایزبخشی به نقش فردید در تاریخ اندیشه‌ی معاصر ایران را اساسی و بنیادین ارزیابی می‌کنند. طبق این ارزیابی «در دوره‌ی جدید تاریخ تفکر ما ایرانیان، یعنی دورانی که حصن حصین سنت در دیار ما فرومی‌ریزد و جامعه‌ی ما هویتی شبه‌مدرن پیدا می‌کند، فردید در این دیار (و شاید بتوان گفت در همه‌ی جوامع اسلامی) نخستین و -حتی می‌توان گفت تا دهه‌های کنونی نخستین و آخرین- متفکری است که به سطحی از تفکر وجودشناختی، البته به کمک مفاهیم و مقولات هایدگری، دست یافت و کوشید تا جامعه‌ی ایرانی را نیز به این سطح از تفکر سوق دهد.» بنابراین فردید با اتکا به هایدگر توانست از ماهیت غرب پرسش کند و با تیزهوشی ذاتی و همچنین بهره‌هایی که از اصول اندیشه معنوی در اسلام برده بود، موفق شد شرایط دوران جدید تاریخ ما را بهتر از بقیه‌ی نویسندگان ببیند و در نهایت این اقبال را داشت که با چشمی فلسفی به تاریخ نظر اندازه‌د.



به جای بیان نهیلیسم؛ کاربرد کلمه‌ی اباحت به جای استفاده از کلمه‌ی لیبرالیسم؛ تعریف لغت افسانه‌شناسی به جای لغت میتولوژی و استعمال واژه‌ی عقل خودبنیاد به جای راسیونالیسم را می‌توان به عنوان ادله‌هایی بر کلمه‌شناسی و زبان‌دانی احمد فردید مثال آورد. معادل‌گذاری‌هایی نظیر سلطنه‌الدهماء در برابر دموکراسی، انانیت در برابر اندیویدوالیسم، نحنانیت به جای کلکتیویسم و حوالت تاریخ به جای دازاین در فلسفه‌ی هایدگر نیز از دیگر تلاش‌های نظری فردید در اسم‌شناسی بود. شاید اوج این تلاش‌ها را بتوان در معادل‌گذاری فرادش به جای سنت ارزیابی کرد. فردید با

این توجه خود دایره‌ی لغات تاریخی، ریشه‌شناسی مشترک مفاهیم در زبان‌های متفاوت را نیز دنبال می‌کرد و به عنوان مثال به این نتیجه می‌رسید که ریشه‌ی «ایده‌ی یونانی» و «دیدار ایرانی» ریشه‌ای واحد است.

شاید در وهله‌ی اول نتوان فردید را اندیشمندی دارای ذهنی منضبط و مبنایی منسجم دانست. چه اینکه او همزمان از عرفان ابن عربی و فلسفه‌ی هایدگری بهره می‌گیرد. «فردید متفکری هایدگری بود و فیلسوف آلمانی را چنان می‌ستود که به بت‌پرستی می‌مانست. از آنجا که در عرفان نظری هم دستی داشت، ملغمه‌ای شگفت به وجود آورده بود که ذهن‌ها را به حیرت وامی‌داشت. بدین ترتیب استتار وجود

هایدگری، یا به قول فردید حوالت وجودی از راه کشف اسماء الهی در عرفان اسلامی تعبیر می‌شد.» اما با اندکی تدقیق و تعمیق می‌توان دریافت که فردید، فیلسوف حادثی است که نه تنها به لوازم اندیشه خویشت پایبند بود و از این حیث انسجام کم‌نظیری در منظومه‌ی فکری خود داشت، بلکه یکی از سرآمدان نگاه تاریخی در میان فیلسوفان ایرانی به شمار می‌رود.

باید تاکید کرد که اندیشه و تفکر نزد فردید معنای دیگری نسبت به معنای رواج‌یافته‌ی آن دارد. تفکر اصیل به قول فردید و هایدگر تفکر هرمنوتیکی تفسیر وجود، بر اساس وجودشناسی و تحلیل دازاین یعنی حضور و حوالت است. به همین مبنا تفکر حضوری که حاصل تامل در حالات و آفات است، فراتر و ارزشمندتر از تفکر حصولی که حاصل تحصیل علم و فلسفه است قرار می‌گیرد. البته «تفکر حصولی نیز بی‌ارزش نیست، اما انسان نباید در حد آن متوقف بماند، بلکه باید به مرتبه‌ای برسد که ذوق حضور را دریابد.» علاوه بر توجه به نظام فکری هایدگر و کتاب هستی‌زمان و همچنین تکیه به عرفان نظری ابن عربی و کتاب فصوص الحکم، وجه دیگری نیز در آراء و آثار احمد فردید مبرهن است که معطوف به ریشه‌شناسی کلمات و اتیمولوژی است. به عبارت دقیق‌تر و بنا به گفته یکی از شاگردانش، «تفکر استاد سه مبدا داشت که هر کس بدان‌ها نزدیک شود، به تفکر وی تقرب جسته است. این مبادی سه‌گانه بدین قرار است: ۱. حکمت انسی اسلامی، ۲.

تفکر مارتین هایدگر، ۳. مبادی اسم‌شناسی.» این سه ضلعی که مثلث اندیشه‌ی فردید را برمی‌سازند، در خدمت شکل‌گیری نظام فکری هستند که در هیئت یک فیلسوف پرمناقشه در تاریخ اندیشه‌ی ایران ظهور کرده است. مردی که

احمد فردید با همه نقص‌هایی که داشت، بن‌مایه‌های اولیه توجه به دوره‌ی جدید تاریخ و حتی طرح پرسش از این تاریخ را مورد اهتمام فلسفی قرار داد. امری که نشان می‌دهد او به سطوحی از خودآگاهی تاریخی رسیده بود